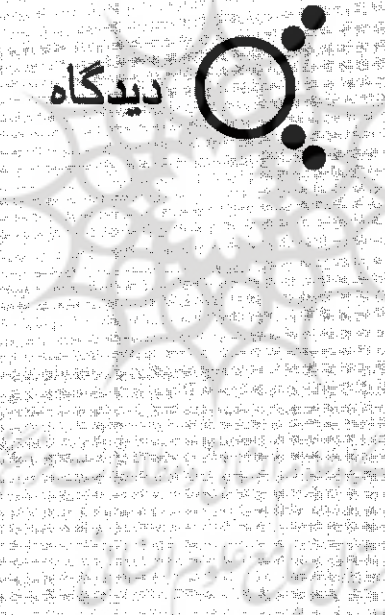


دیدگاه



دکتر تژا میر فخرایی:

آینده تحقیقاتی ایران در ارتباط با رسانه ها بهتر از گذشته خواهد بود

گفتگو از: فاطمه شهبازیان

اشاره:
در عصر معاصر با توجه به تحولات روزافزونی که در زندگی انسان‌ها به وجود آمده؛ ضرورت پژوهش قبل از انجام هر کاری در تمام عرصه‌های زندگی به امری اجتناب‌ناپذیر بدل شده است؛ به طوری که زیستن بدون پژوهش برای آدمیان محال شده و حتی کسانی که بدون پژوهش است به انجام کاری زده‌اند در نیچه‌های راه یا مشکل مواجه شده‌اند.
پژوهشی که مبتنی بر پایه‌های علمی باشد در عرصه روابط عمومی که یکی از اجزای جداناپذیرسازمان و نهادی است بدون شک موثر واقع خواهد شد. اگر روابط عمومی‌ها با توجه به پژوهش‌های لازم و مورد نیاز پایه‌ریزی شوند حتماً موفق‌تر خواهند بود.
پژوهش با مشکلاتی روبروست که قابل انکار هستند از قبیل مشکلات مالی، مدیریتی و نیروی انسانی و... در کنار ذکر همه اینها نشستن پای صحبت یکی از پژوهشگران برتر کشور خالی از لطف نیست...

- در ابتدا در صورت امکان خودتان را به طور کامل برای خوانندگان ما معرفی نمایید.

تژا میرفخرایی هشتم متولد سال ۱۳۳۵ در تهران؛ مدرک کارشناسی سینما را از کشور آمریکا دارم و کارشناسی ارشد علوم ارتباطات از کشور نروژ و دکترای رشته علوم ارتباطات از ایران. ده سال است که در دانشگاه آزاد اسلامی استخدام شده‌ام و مدعو دانشگاه‌های مختلف مثل دانشکده صداوسیما، دانشکده خبر نیز هستم. در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس می‌کنم و در ترم آینده در دانشگاه آزاد اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد تجزیه و تحلیل خبر در روزنامه‌نگاری تدریس خواهم کرد. شغلم تحقیق و تدریس است از ده سال اخیر شش الی هفت تحقیق نسبتاً گسترده برای وزارت ارشاد و یک تحقیق برای سازمان صداوسیما انجام داده‌ام. کتاب‌های چاپ شده شامل این عناوین است: ذهنیت اجتماعی در گفت‌وگو و ورزشی، اقتناع و تبلیغ (چاپ وزارت ارشاد) فرهنگ تحلیل گفتگمانی که آن را هم وزارت ارشاد به چاپ رسانده است. کتاب اخیرم در رابطه با اخبار تلویزیون است که انتشارات سروش آن را در دست چاپ دارد و یک ترجمه هم به نام فیلترهای خبری دارم که اثر نوام چامسکی است. مقالات زیادی از این در

ورسانه، پژوهش‌نامه فرهنگی، فرهنگ عمومی و در نشریات دیگر مثل صفحه اندیشه روزنامه همشهری، پژوهش و سنجش صداوسیما چاپ شده است که در ده سال اخیر فکر می‌کنم حدوداً شامل ۵۰ مقاله می‌شود. در سمینارهای مختلفی هم شرکت کردم؛ شش الی هفت سمینار ملی مثل سمینار دوم و سوم مطبوعات که مقاله‌ام نیز در آن سمینار انتخاب شد، در سمینار طنز در سال ۷۷ نیز شرکت داشتم. سمینار گفتمان اولین سمینار تبلیغات که بیشتر این سمینارها در ابعاد ملی بوده است که بعضی از آنها را وزارت ارشاد اجرا کرده است و بعضی را سازمان صداوسیما که سمینار گفتمان را دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران اجرا کرد.

- به نظر شما اهمیت پژوهش در مباحث ارتباطی چه قدر و چگونه است.

اهمیت پژوهش در مباحث ارتباطی مسلماً همان اهمیتی را دارد که در سایر رشته‌ها نیز دارد و شاید هم کمی بیشتر. امروزه در دنیا بسیاری پذیرفته‌اند که سیاستگذاری باید با توجه به تحقیقاتی که در سطح جامعه انجام می‌شود تدوین و اجرا شود؛ همین مسئله در رابطه با علوم ارتباطات و رسانه‌ها صدق می‌کند و به این دلیل اهمیت آن را بیشتر می‌دانم که در هر صورت رسانه‌ها خیلی مورد علاقه گروه‌های مختلف اجتماعی هستند. بنابراین هم از نظر محتوا و شکل بیان و هم از نظر جایگاه اجتماعی و سازمانی در سطح کلیت جامعه محسوب می‌شوند، گروه‌های مختلف از مردم و حکومت به نوعی علاقه‌مند هستند که وضعیت محتوایی رسانه‌ها را در کلیت جامعه رصد کنند؛ این رصد کردن در حقیقت حرفه‌ای، آکادمیک و بنیادین است که کمک می‌کند به دست‌اندرکاران (روزنامه‌نگاران، سازندگان برنامه‌ها) که بهتر کارشان را انجام دهند و هم کمک می‌کند به سیاست‌گذاران برای سیاست‌گذاری بهتر و هم اینکه از نظر بنیادی بهتر می‌تواند جایگاه رسانه‌ها در دنیای امروز، وضعیت فعلی جامعه در رابطه با کلیت جهان را توضیح دهد؛ بنابراین جایگاه ویژه‌ای رسانه دارد و نمی‌توان تکرار مکرر دانسته‌های قدیمی را که در کتاب‌های قدیمی نوشته شده است را به عنوان اصل و اساس قرار دهیم و چشمانمان را بر آنچه که می‌گذرد ببندیم و اگر بتوانیم آنچه را که امروز می‌گذرد بشناسیم مسلماً خواهیم توانست آینده را ترسیم کنیم و حرکت رسانه‌ها را چه از نظر حرفه‌ای و چه از نظر سیاسی و اجتماعی و حتی فلسفی برای آینده تدوین کنیم و آنها را بررسی کرده و به نوعی درک کنیم و آینده را بفهمیم و هم خودمان و هم جوانان را برای آینده مستعد سازیم.

- در رابطه با کمبود منابع پژوهشی کمی توضیح دهید و راهکارهای پیشنهادی برای برطرف کردن این مشکل را ذکر کنید.

مسلماً در عرصه پژوهش با کمبود مواجه هستیم ولی واقعیت این است که ذهنیتی ایجاد شده بود در رابطه با اینکه تحقیق به درد نمی‌خورد که این ذهنیت از بین رفته است و ذهنیتی جایگزین شده است که اهمیت تحقیق درک شده است و بدان تاکید می‌شود که همین نکته مثبتی است و آغازی خوب و وقتی تحقیق درک شود قاعدتاً می‌توانیم ادعا کنیم که آینده تحقیقاتی ایران به خصوص در ارتباط با رسانه‌ها بهتر از گذشته خواهد بود. حال بحث بر سر این است که ما در عمل چه قدر برای این مسئله امکانات قایل می‌شویم و به پژوهشگران چه امکاناتی می‌دهیم که این امکانات شامل امکانات مالی و دستیاران حرفه‌ای می‌شود و فقط باید منتظر بود که چه قدر این امکانات عملی خواهد شد؛ مسلماً همیشه در جامعه موج‌هایی به وجود می‌آید. مثلاً موجی که تحقیق اهمیت بسیار زیادی دارد و بعد از مدتی این موج فرو می‌نشیند و فراموش می‌شود؛ وظیفه ما و دانشجویان علوم ارتباطات این است که نگذاریم موج مربوط به رسانه‌ها فرونشیند و اهمیت تحقیق را هر روز یادآور شویم و از همه مهمتر این یادآوری برای دانشجویان است؛ و بعد برای حرفه‌ای‌ها و دست‌اندرکاران رسانه‌ها چون متأسفانه جوی که در بین افراد حرفه‌ای در هر رشته‌ای وجود دارد این است که همه مطالب را بلد هستند و دیگر نیازی به تحقیق نیست. ولی باید چنین باشد که ما چیزی را انجام دهیم که امروز یاد گرفتیم و امروز موضوعیت دارد اما فردا الزاماً موضوعیت نخواهد داشت. چون مباحث فرق کرده و نقاط تاکید تاریخی متفاوت شده است. اگر بپذیریم که موضوعیت مباحث از



امروز تا فردا متفاوت خواهد شد و طرح مسئله تغییر خواهد کرد بنابراین باید قبول کنیم که حتی افراد حرفه‌ای برای اینکه فردا از پس کارها برآیند و مطابق با زمان حرکت کنند باید تحقیقاتی انجام دهند تا بگویند که این حرکت رو به جلوی تاریخ چگونه است تا اینکه شما آمادگی پاسخگویی به مباحث و مسایل فردا را داشته باشید و در غیر این صورت روزانه خوری خواهیم کرد یعنی از امروز تا فردا را حرکت می‌کنیم و فردا اهمیتی ندارد در واقع حرکت ما پیوسته و متداوم نخواهد بود و مسئله مهم در هر رشته و در هر جامعه‌ای این است که اولاً تداوم به وجود آوریم و ثانیاً ثبات، تداوم و ثبات موقعی به وجود خواهند آمد که به طور مداوم به مباحث پاسخ دهیم در غیر این صورت به روزانه خوری دچار خواهیم شد و این پایان نخواهد داشت مگر در صورت قطع تداوم و ثبات چون هنگامی که نتوانیم پاسخگوی مسایل و مشکلات باشیم مسلماً در جایی با مشکلات اساسی روبرو خواهیم شد و ممکن است این مشکلات برای رسانه‌ها باشد. مثلاً روزنامه‌ها ممکن است اگر نتوانند به مسایل مخاطبان پاسخ دهند در یک مقطعی با چنان کاهش تیراژ مواجه شوند که موضوعیت خود را در جامعه از دست بدهند و به نظر من وظیفه ما این است که حتی به افراد حرفه‌ای که کارشان را نیز خوب انجام می‌دهند ثابت کنیم که نتایج تحقیقات و داده‌های آنها بسیار مناسب خود آنها می‌باشد؛ و برای حل کمبود منابع وضعیتی خاص وجود دارد و همکاری گروه‌های مختلف را می‌طلبد از یک طرف دولت که باید بتواند منابع مالی را در اختیار محققان قرار دهد در حقیقت خرید منابع و عمومی کردن آن، از طرف دیگر دانشگاه‌ها باید انحصار طلبی را کنار بگذارند و اجازه دهند که محققان از دانشکده‌های مختلف و ارگان‌های مختلف از کتابخانه‌های یکدیگر استفاده کنند اما شاید مهم‌تر از اینها خودمان هم باشیم که اولاً توضیح دهیم به چه منابعی نیاز داریم و ثانیاً حرکت برای عمومی کردن منابع و خارج شدن منابع از دست چند دانشگاه و صادر شدن کارتهایی برای محققان که به آنها اجازه استفاده از کتابخانه مثلاً صداوسیما و دانشکده‌های مختلف را بدهد. امروزه متأسفانه هر نهادی مانند صداوسیما و هر دانشگاهی مانند دانشگاه تهران کتابخانه‌ای خصوصی دارند و فقط برای افراد خود آن نهاد قابل استفاده است و این مسئله با فلسفه عمومی شدن پژوهش و دانش همخوانی ندارد. بنابراین ابتدا باید بودجه‌ای تخصیص دهید و بعد ذهنیت‌مان را راجع به کتاب و در انحصار گرفتن آن تغییر دهیم حداقل برای دانشجویان رده بالا و پژوهشگران که مجبور به تحقیق هستند کارتهایی صادر شود و منابع افزایش داده شود و سعی در عمومی شدن منابع کرد. امروزه کتاب‌های زیادی وجود دارد که به آنها دسترسی نداریم اگر مجموع این کتاب‌ها در همه دانشکده‌ها لیست‌برداری شود و در محفظه الکترونیکی قرار بگیرد و همه پژوهشگرانی که دارای این کارت هستند امکان استفاده از کتاب را داشته باشند و مثلاً از دانشگاه خودشان، خواستار دسترسی به کتابی در دانشگاه یزد و یا نهادی مثل سازمان صداوسیما باشند و شرایط فراهم شود که کتاب برای آن پژوهشگر فرستاده شود تا آن را مطالعه کند و این حرکتی عظیم است و در سطح جهان انجام می‌شود ولی در جامعه ما نوعی انحصارطلبی وجود دارد یعنی کسی کتابی را در خارج از ایران نوشته است ولی من و یا شما آن را پنهان می‌کنیم که نکند پژوهشگری آن را ببیند در صورتی که در خارج از ایران انحصاری برای دانش خود ندارند و ما دانش آنها را می‌خواهیم منحصر در اختیار خود بگیریم که این حرکت با حرکت علم در تضاد است. از نظر من ما نمی‌دانیم چه کتاب‌هایی در ایران وجود دارد که به حتم در جاهای مختلف کتاب‌های زیادی وجود دارد که می‌توان از آنها لیست‌برداری کرد و ما به همه کتاب‌های موجود دسترسی نداریم در حالی که می‌توانیم داشته باشیم از طریق ایجاد مرکزی مشترک و یا برنامه کتابداری مشترک؛ برای مثال مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها چند هزار کتاب دارد سازمان صداوسیما و دانشگاه‌ها نیز به همین ترتیب که اگر از همه این کتاب‌ها لیست‌برداری شود و حداقل پژوهشگران و دانشجویان با استفاده از کارت خود بتوانند در سراسر ایران از کتاب مورد نیاز خود سود ببرند. مانند سایر نقاط جهان به کتابخانه نهاد مربوطه خودشان مراجعه کنند و بتوانند کتاب دیگری را در مرکزی دیگر برای مدتی در اختیار بگیرند و کتابخانه‌ای که کتاب را به امانت داده است مسئولیت بازگشت و صدمات به کتاب مذکور را پذیرا باشد و من فکر می‌کنم این مسئله بسیار فرصت‌طلایی است و باید حتماً افزایش بودجه داشته باشیم تا به معنی واقعی کمبود منابع که یکی از مشکلات اصلی پژوهشگران است را از بین ببریم.

- لطف بفرمایید در رابطه با پژوهش خودتان که یکی از برگزیدگان برتر در هفته پژوهش در حوزه ادبیات بود توضیح بفرمایید.

پژوهشی که من انجام دادم تز دکترای من بود. کار این پژوهش حدوداً مربوط به ۷ سال پیش می‌شود که طرحی را در وزارت ارشاد انجام دادم به اسم طرح تفصیلی برای مطالعه ادبیات که قرار بود این طرح نشان دهد که برای مطالعه ادبیات چه کاری می‌توان انجام داد ما این طرح تفصیلی را گسترش دادیم و به صورت یک کتابچه ۱۲۰ صفحه‌ای در آوردیم که این کتابچه توضیح می‌داد چگونه ادبیات را مورد بررسی قرار دهیم و نظریه‌های مختلف را توضیح داده بود و اینکه برای چنین تحقیقاتی چه سوالاتی مطرح می‌شود و چگونه انجام می‌شود و شاخص‌های ما چه چیزی می‌تواند باشد پس از این طرح بزرگتری را در دست گرفتم که این طرح مشخص تحقیقاتی بود که اگر بگویم طرح اول نظری بود طرح بعدی در رابطه با ادبیات عامه‌پسند ایرانی بود که ۲۱ اثر عامه‌پسند را مورد بررسی قرار دادیم این طرح از سال ۷۷ آغاز شد و سال ۸۰ به اتمام رسید این تحقیق در چند صد صفحه بود که ۱۸ نفر کدگذار داشت و ۴ نفر به طور مشخص و تمام دقت کدگذاری را دوباره بررسی کردند. این تحقیق موفق بود و بعد از این تحقیق جدیدم را در دست گرفتم که مقایسه‌ای بین رمان‌های عامه‌پسند و رمان‌های نخبه بود که شاخص‌های متعددی داشتیم نزدیک به ۵۰ شاخص که این شاخص‌ها در سه دسته طبقه‌بندی شده بودند. شاخص‌های اجتماعی، رفتاری و فیزیکی. در این پژوهش ساختارهای خرد و کلان گفتمانی را در رمان‌های عامه‌پسند و نخبه که هدف بررسی تفاهم فرهنگی یا گسست گفتمانی مابین این دو دسته از رمان‌ها بود، هر دسته از رمان‌ها به عنوان یک منظومه گفتمانی مورد بررسی قرار دادیم و فرض کردیم هر منظومه گفتمانی جنبه‌های مختلفی دارد. مثلاً جنبه‌های ادبی، علمی و یا سایر جنبه‌ها، ما جنبه ادبی را مدنظر قرار دادیم به دلیل نقش عظیم ادبیات در بیان فرهنگ، بنابراین نمونه‌ای گرفتیم از این دو نوع رمان، نمونه ما را پانل انتخاب کرد و نه خودمان در کل ۳۰ کتاب را مورد بررسی قرار دادیم کتاب‌ها به صورت تمام شماری بودند یعنی از اولین تا آخرین صفحه تمامی مباحث مربوط به اعمال و شخصیت‌ها خوانده و کدگذاری شدند و جداول بر این اساس تدوین یافت.

- بفرمایید که اهداف شما از پژوهش و نتایج دست یافته به آن چه بوده است.

در کل پس از بررسی به این نتیجه رسیدیم که در رابطه با شاخص‌های رفتاری (اخلاقی) که بیشتر جنبه اخلاقی دارند بیشترین تضاد بین این دو دسته از رمان‌ها و گفتمان‌ها مشاهده می‌شود. در رابطه با شاخص‌های اجتماعی تضاد بسیار است به صورتی که رمان‌های نخبه بیشتر به پایین جامعه نگاه می‌کنند و رمان‌های عامه‌پسند به بالای جامعه؛ در رابطه با شاخص فیزیکی تضادی که وجود دارد این است که به چه شخصیتی دید مثبت وجود دارد چه خصوصیات فیزیکی را داراست و شخصیت منفی چگونه باید باشد این تضادها قابل مشاهده بود البته به صورت کمتر، نکته جالب توجه این است که قهرمان مذکر رمان‌های عامه‌پسند عمدتاً مرد بلند بالایی بود با چهره بسیار زیبا و اندام ورزیده و با هیكل متناسب اما قهرمان رمان‌های نخبه مرد کوتاه قد و لاغر اندام با چهره‌ای زشت که تضاد بسیاری وجود داشت ولی به طور کلی براساس فرضیاتی که داشتیم به این نتیجه رسیدیم که گفتمان رمان‌های نخبه عمدتاً گفتمان نسبی‌گرایانه و گفتمان رمان‌های عامه‌پسند عمدتاً گفتمان مطلق‌گرایانه است بنابراین به نوعی گسست گفتمانی بین این دو نوع رمان وجود دارد یعنی رمان‌های عامه‌پسند عمدتاً دنیا را سیاه و سفید می‌بینند و به بالای جامعه توجه بیشتری دارند و شخصیت داستان‌های این گونه رمان‌ها از میان افراد مطلوب جامعه انتخاب می‌شود و برترین خصوصیات به آنها نسبت داده می‌شود و آنها را دارای زیبایی مطلق و جمال صوری می‌شوند و دارای دانش بالا فرض می‌شوند و از طبقات بالای جامعه هستند اما شخصیت‌های منفی از پایین جامعه انتخاب می‌شوند و دارای بدترین خصوصیات رفتاری و اخلاقی هستند البته از نظر فیزیکی همه اینها به نوعی زیبا هستند اما از نظر رفتاری، اجتماعی کاملاً تضاد بین دو نوع شخصیت منفی و مثبت وجود دارد اما در رمان‌های نخبه تعداد شخصیت‌های خاکستری یا خنثی بسیار زیادتر است و تضاد بین شخصیت‌های منفی و مثبت زیاد نیست یعنی در جداول، تمرکز زیادی دیده نمی‌شود بلکه پراکندگی وجود داشت یعنی خصوصیات

مشابهی هم به شخصیت‌ها اطلاق شده بنابراین گفتمان، گفتمان نسبی‌گرایانه است و نگاه نویسنده به جهان نگاه نسبی‌گرایانه است و با بد و خوب‌های مطلق آغشته نشده؛ از مقایسه این دو نوع گفتمان می‌خواستیم به این نتیجه برسیم که تفاهم فرهنگی وجود دارد یا گسست گفتمان که اگر تفاهم فرهنگی باشد نشانگر آن است که بالا و پایین جامعه و یا حداقل بخشی از بالا و پایین جامعه که این گفتمان‌ها به آن تعلق دارند با یکدیگر نزدیکی دارند، نخبگان جامعه با یک گفتمان ادبی یا گفتمان عامه‌پسند یا میانی به پایین جامعه دارای نقاط اشتراک بسیار زیادی هستند که ما در این زمینه به نتیجه‌ای دست پیدا نکردیم و مسلماً اگر گفتمانی وجود داشت به این معنا بود که این منظومه‌ها نمی‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند و در دو دنیای متفاوت سیر می‌کنند. بنابراین امکان تشریک مساعی، امکان صحبت کردن، امکان رسیدن به نتایج مختلف و یا فرستادن پیام‌های مشابهی که در چارچوب یک نظام فرهنگی (منظومه فرهنگی) وجود ندارد بر همین اساس بهتر است نویسندگان نخبه‌گرا و عامه‌پسند بیشتر آثار یکدیگر را مطالعه کنند و بیشتر با یکدیگر رابطه برقرار کنند چرا که مخاطبان آنها با یکدیگر نزدیک خواهند شد و به نظر می‌رسد که فضای ادبی ما آنقدر که باید و شاید به عنوان نماینده‌ای از سایر فضاها از نظر فرهنگی با یکدیگر هماهنگی ندارند.

- لطفاً ارزیابی خودتان از فعالیت‌های پژوهشی و حمایت‌های دانشگاه از این فعالیت‌ها را بفرمایید.

نکته مهم این است که محیط دانشکده‌ها با هم تفاوت دارد اگر بخواهیم راجع به دانشگاه خودمان (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) صحبت کنیم شنیده شده است که جدیداً امکانات بسیار زیادی برای محققان قایل خواهند شد ولی من که تا حال هیچ یک از تحقیقاتم در رابطه با هیچ دانشگاهی نبوده و از هیچ دانشکده‌ای هم امکاناتی به من داده نشده است؛ تمام پژوهش‌های من در رابطه با مراکز متفاوت غیر دانشگاهی بوده است ولی امیدوارم بتوانیم از فضای جدیدی که گفته می‌شود می‌خواهد برقرار شود و امکان تقاضای امکانات مالی و امکانات پژوهشی از دانشکده خودمان به وجود خواهد آمد که البته دانشگاه‌های دولتی این امکانات را برای اساتید خود سالهاست که قرار داده‌اند و هر سال افزایش هم پیدا می‌کند که در هر صورت ما امکان دسترسی نداریم اما امیدوارم که این امکانات در همه مراکز دانشگاهی انجام شود و توجه به پژوهش در اولویت قرار گیرد که با افزایش امکانات ما هم بهره خواهیم برد.

- با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید؛ با امید موفقیت روزافزون...